

تأملی در منطق تکوین گفتمان ضدتروریسم اتحادیه اروپا پس از یازده

سپتامبر

لیلا مرواتی^۱

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ - تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۲۸)

چکیده

تروریسم به عنوان یکی از چالش‌های امنیتی مهم، همواره سیاست‌های داخلی و خارجی اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار داده است. حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در سیاست‌های ضدتروریستی اتحادیه اروپا بود که موجب بازنگری در راهبردهای امنیتی و افزایش همکاری در جهت اتخاذ سیاست‌های ضدتروریستی میان کشورهای عضو شد. در این راستا، اتحادیه اروپا اقدامات متعددی را برای تقویت ظرفیت‌های امنیتی خود به کار گرفت که شامل تصویب قوانین جدید، افزایش تبادل اطلاعات میان کشورهای عضو، و همکاری‌های فراملی به‌ویژه با ایالات متحده بود. پرسش اصلی مقاله این است «چه عواملی موجب تکوین گفتمان ضدتروریستی اتحادیه اروپا پس از حادثه یازده سپتامبر شد؟» در پاسخ به این پرسش مقاله حاضر مدعی است، گفتمان ضدتروریستی اتحادیه اروپا حول محور دال مرکزی رویارویی با «دولت‌های درمانده» تکوین شده است و کشورهای عضو اتحادیه اروپا حکمرانی خوب را مؤلفه اصلی ضدیت با تروریسم تلقی می‌کنند. هدف این پژوهش بررسی منطق ایجاد گفتمان ضدتروریستی اتحادیه اروپا و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا در این حوزه است یافته‌های پژوهش بیانگر این است که سیاست‌های ضدتروریستی اتحادیه اروپا نوعی رویکرد و راهبرد پیشگیرانه و هماهنگ در جهت مهار پدیده تروریسم می‌باشد.

کلید واژگان: گفتمان ضد تروریسم، اتحادیه اروپا، یازده سپتامبر و دولت‌های درمانده.

^۱ دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

A Reflection on the Logic of the Evolution of the European Union's Counter-Terrorism Discourse after 9/11

Leila Morovati¹

Abstract

Terrorism, as one of the major security challenges, has always affected the internal and external policies of the European Union. The September 11, 2001 attacks were a turning point in the EU's counter-terrorism policies, which led to a review of security strategies and increased cooperation in adopting counter-terrorism policies among member states. In this regard, the EU took several measures to strengthen its security capacities, including the adoption of new laws, increased information exchange among member states, and transnational cooperation, especially with the United States. The main question of the article is "What factors led to the development of the EU's counter-terrorism discourse after September 11?" In response to this question, the present article claims that the EU's counter-terrorism discourse has developed around the central theme of confronting "failed states" and that EU member states consider good governance to be the main component of counter-terrorism. The purpose of this research is to examine the logic of creating the European Union's counter-terrorism discourse and analyze the factors affecting the formation of European Union security policies in this area. The research findings indicate that the European Union's counter-terrorism policies are a preventive and coordinated approach and strategy to curb the phenomenon of terrorism.

Key words: anti-terrorism discourse, European Union, September 11, Failed states.

1 Ph.D. in International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

Email: morovati1990@gmail.com

تحولات جهانی، به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، موجب تغییر ماهیت تهدیدات امنیتی شد و تروریسم در اشکال جدیدی، نظیر افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم فراملی، ظهور یافت. با این حال، نقطه عطف واقعی در شکل‌گیری گفتمان ضدتروریسم اتحادیه اروپا، حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده بود. این حادثه، نه تنها امنیت جهانی را تحت تأثیر قرار داد، بلکه بر نگرش و سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا نیز تأثیر عمیقی گذاشت. یازده سپتامبر این واقعیت را آشکار ساخت که تهدیدات تروریستی صرفاً به کشورهای خاصی محدود نمی‌شود، بلکه امنیت تمامی کشورهای جهان، از جمله اروپا، را به خطر می‌اندازد. این رویداد، کشورهای عضو اتحادیه اروپا را به تجدیدنظر در سیاست‌های امنیتی خود واداشت و روند تدوین استراتژی‌های جامع‌تر برای مقابله با تروریسم را تسریع کرد. پس از این حادثه، اتحادیه اروپا اقدامات گسترده‌ای را برای تقویت ظرفیت‌های امنیتی خود در پیش گرفت. تصویب برنامه اقدام ضدتروریسم، ایجاد هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌های امنیتی کشورهای عضو، و افزایش همکاری با ایالات متحده از جمله سیاست‌هایی بود که با هدف تقویت توانایی اروپا در مقابله با تروریسم طراحی شد. وقوع حملات تروریستی در مادرید (۲۰۰۴) و لندن (۲۰۰۵) نیز نشان داد که اروپا به‌طور مستقیم در معرض تهدید گروه‌های تروریستی قرار دارد و نیازمند سازوکارهای قوی‌تری برای حفاظت از امنیت شهروندان خود است. در این راستا، سیاست‌های ضدتروریستی اتحادیه اروپا از تمرکز بر اقدامات واکنشی فراتر رفت و به‌سوی ایجاد چارچوب‌هایی برای پیشگیری از افراط‌گرایی و شناسایی تهدیدات پیش از وقوع حملات سوق یافت.

در اوایل قرن بیست و یکم، گسترش جغرافیایی حملات تروریستی و پیچیدگی روزافزون تهدیدات، اتحادیه اروپا را بر آن داشت تا نقش فعال‌تری در مقابله با این پدیده ایفا کند. این امر منجر به تصویب مجموعه‌ای از قوانین و راهبردهای امنیتی شد که بر مقابله با تأمین مالی تروریسم، افزایش تبادل اطلاعات بین کشورهای عضو، و به‌کارگیری فناوری‌های جدید برای رصد و خنثی‌سازی تهدیدات تأکید داشت. از سوی دیگر، همکاری با بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه ایالات متحده، در دستور کار قرار گرفت تا سیاست‌های ضدتروریسم به‌صورت هماهنگ‌تری اجرا شود. به این ترتیب، گفتمان ضدتروریسم در اتحادیه اروپا پس از یازده سپتامبر دستخوش تحولات بنیادینی شد و از سطح همکاری‌های محدود و موردی به‌سوی راهبردهای جامع، چندلایه و فراملی حرکت کرد. این تغییر رویکرد، نشان‌دهنده درک جدید رهبران اروپایی از ماهیت جهانی تروریسم و ضرورت همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با آن است. بنابراین،

بررسی منطق تکوین این گفتمان و روند تکامل آن در سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا، می‌تواند ابعاد مهمی از چگونگی شکل‌گیری استراتژی‌های ضدتروریسم در این نهاد فراملی را آشکار سازد.

۲. چارچوب نظری: نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه می‌تواند برخی از نیازهای سیاست را در چارچوب نظری و تقسیم آن برآورده کند. اگر چه نظریه‌های گفتمانی مبتنی بر نظریه‌های پست مدرن هستند. اما به نوعی نسبی هستند و اغلب می‌توانند تغییرات جاری زندگی اجتماعی را تبیین و تحلیل کنند. علاوه بر این، نظریه گفتمان لاکلا و موفه می‌تواند به ما کمک کند تا تحولات آینده را بر اساس درک بهتر دال‌های حاکم بر گفتمان درک کنیم و حتی وارد حوزه‌ی آینده‌پژوهی شویم. با این رویکرد می‌توان از این نظریه برای آسیب‌شناسی گفتمان‌های هژمونیک نیز استفاده کرد. درباره‌ی نظریات گفتمان سیاسی، لاکلا و موفه معتقدند که گفتمان صرفاً به ترکیبی از گفتار و نوشتار اشاره نمی‌کند، بلکه گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی - شناختی^۱ و نشانه‌های فرازبانی - شناختی^۲ تعریف می‌شود. یعنی هم بعد فیزیکی و هم بعد نظری را شامل می‌شود (Dabirimehr and Tabatabai Fatmi, 2014: 1287).

براین اساس، رویکرد نظری لاکلا و موفه برای مطالعات ارتباطی مانند گفتمان‌های سیاسی، تحلیل اخبار و سایر موضوعات ارتباط اجتماعی کاربردی است. می‌توان از آن برای کاوش و مطالعه چگونگی شکل‌گیری یک گفتمان هژمونیک و گفتمان سیاسی خاص توسط نیروهای مختلف سیاسی مسلط استفاده کرد. همچنین می‌تواند موضوعات گفتمانی معین را که توسط قدرت‌های مختلف اجتماعی - سیاسی مورد مذاکره و رقابت هستند بررسی نماید. به طور کلی الگوی نظری لاکلا و موفه را می‌توان برای تحلیل موضوعات گسترده‌ای که مربوط به شیوه‌های گفتمانی هستند به کار برد زیرا برای لاکلا و موفه هر عمل اجتماعی را می‌توان از دریچه یک گفتمان ارزیابی کرد (Rear, 2013: 1). در این مقاله از برخی از مؤلفه‌های اصلی نظریه گفتمان لاکلا و موفه استفاده شده است که در ادامه توضیح داده شده است.

دال مرکزی: نشانه، نماد یا مفهومی که دال‌های دیگر پیرامون آن جمع‌آوری و بیان می‌شود، دال مرکزی نامیده می‌شود. دال شناور نشانه‌ها و مفاهیمی هستند که گفتمان‌های مختلف سعی در معنا بخشیدن به آن‌ها را دارند (Dabirimehr and Tabatabai Fatmi, 2014: 1284).

¹ Linguistic - Cognitive

² Meta Linguistic - Cognitive

³ Central Signifier

دال شناور^۱: دال شناور دالی است که مدلول آن شناور و غیر ثابت باشد. به عبارت دیگر، گفتمان‌های مختلف برای تعیین مدلول مورد نظر خود با یکدیگر رقابت می‌کنند. هر گفتمانی بر اساس ساختار خود، مدلولی را مطابق با این نظام مورد نظر خود برجسته می‌کند و مدلول دیگر را نادیده می‌گیرد (Dabirimehr and Tabatabai Fatmi, 2014: 1284).

مفصل بندی^۲: به عقیده‌ی لاکلا و موفه «گفتمان» تلاشی برای ایجاد شبکه‌ای از معانی در یک دامنه خاص است. تشکیل یک گفتمان شامل مفصل بندی دال‌ها بر اساس معنای معین است تا معانی دیگر حذف شوند (Rear, 2013: 6). لاکلا و موفه مفصل بندی را اینگونه تعریف می‌کنند: «ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه‌ی مفصل بندی دستخوش تغییر شود، مفصل بندی می‌نامیم» (Laclau and Mouffe, 1985: 105).

حوزه‌ی گفتمانی^۳: هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. هر گفتمان به طور طبیعی یکی از آن معانی را بر حسب همخوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را طرد می‌نماید. معانی احتمالی نشانه‌ها که از گفتمان طرد شده‌اند، به حوزه‌ی گفتمانی سرریز می‌شوند. سرریز معانی یک دال یا نشانه به حوزه‌ی گفتمانی با هدف ایجاد یکدستی معنایی در یک گفتمان انجام می‌شود (Laclau and Mouffe, 1985: 111).

ضدیت و خصومت^۴: گفتمان‌ها با ایجاد یک رابطه خصمانه که اغلب منجر به تولید یک «دشمن» یا «دیگری» می‌شوند که برای تأسیس مرزهای سیاسی امری حیاتی است. در یک بافت گفتمانی، خصومت به امکان تصادفی بودن گفتمان‌ها و سایر پدیده‌ها اشاره دارد. دیگری غیریت ساز همواره حضور یک گفتمان را تهدید کند و پیوسته آن را در خطر فروپاشی قرار می‌دهد، همه گفتمان‌ها ممکن و موقتی بوده و به هیچ وجه تثبیت نمی‌شوند (Dabirimehr and Tabatabai Fatmi, 2014: 1285).

گفتمان را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌های زبان از جمله معنا، مفاهیم، گروه بندی و استدلال تعریف کرد که به مفهومی شدن و معنادار کردن جهان و برساختگی آن کمک کرده است (Doty, 1993: 302). گفتمان‌ها سازنده‌ی هویت‌ها هستند. هویت دولت‌ها برگرفته از گفتمان

¹ Floating Signifier

² Articulation

³ Field of Discoursivity

⁴ Antagonism

است. بر این اساس دولت منافع و ارجحیت‌هایش را در رابطه با جهان بیرونی تعریف و مشخص می‌کند. گفتمان‌ها به فهم ما در این که چگونه اعمال مشخصی انجام شده است کمک می‌کند (Moshirzade, 2007: 522). به طور کلی، به عقیده‌ی لاکلا و موفه گفتمان‌ها عامل تشکیل دهنده‌ی هویت کارگزاران می‌باشد. هویت‌های برگرفته از گفتمان‌ها، مرزهای فکری و سیاسی و خط فاصل بین «خود» و «دیگری» را تعیین می‌کنند. و از رهگذر هویت بازیگران، منافع، ارجحیت‌ها و اولویت‌های آنان در عرصه‌ی سیاست خارجی و سیاست داخلی نمود عینی و بازنمایی^۱ می‌یابد.

۳. مفصل‌بندی گفتمان مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا

به طور گسترده وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز یک دوره تاریخی جدیدی بود و منجر به تغییر اساسی در ماهیت امنیت بین‌المللی شد. بارزترین عنصر این تغییر این بود که کشورهای غربی اکنون با نوع جدید تهدید تروریستی روبرو هستند که در آن واحد مخرب‌تر از کل ارتش‌ها یا سایر تهدیدات سنتی برای دولت هستند. این تفکر متعارف توسط سیاست‌گذارانی مانند خاویر سولانا، نماینده وقت اتحادیه اروپا در امور خارجی بیان شد، که استدلال کرد «تهدید تروریستی را می‌توان با تمایل جنبش‌های تروریستی جدید برای استفاده از خشونت نامحدود و ایجاد تلفات گسترده مشخص کرد. بنابراین، یک «تهدید وجودی»^۲ برای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن است». این تصور از تروریسم توسط دانشگاهیان مانند فرانسیس فوکویاما نیز بیان شد که پس از حمله یازده سپتامبر نوشت «گروه‌هایی مانند القاعده اکنون قدرت وارد کردن خسارت عظیم به تمدن مدرن را دارند و حتی اگر تعداد کمی از مردم را نمایندگی کنند، سؤالات واقعی را در مورد دوام تمدن ما ایجاد می‌کند» (Baker-Beall, 2014: 1).

فراگیرترین ویژگی گفتمان «مبارزه با تروریسم» و عناصر فراروایت «جنگ علیه تروریسم» اتحادیه اروپا این ایده است که تروریسم در شرایط کنونی «جدید» و به نوعی متفاوت از اشکال «قدیم» تروریسم است که در گذشته رخ داده است. استدلال می‌شود که این جنبه از گفتمان مبارزه با تروریسم، «دیگری» تروریست را به عنوان نوع جدیدی از تهدید از طریق چند تکنیک معرفی می‌کند. این تکنیک‌ها شامل ارجاع مستقیم به تهدید تروریستی کنونی به عنوان یک نوع «جدید»، تهدیدی مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان یک تهدید در حال تکامل و تهدیدی که ماهیت مذهبی دارد و با فرآیندهای

¹ Representation

² existential threat

«رادیکال سازی»^۱ مرتبط است (Baker-Beall, 2014: 11).

بنابراین، اتحادیه اروپا پیشگیری از تروریسم را به عنوان یک حوزه خاص از صلاحیت در پاسخ به تهدید مفروض و مستمر حملات تروریستی «در هر کجا، هر زمان، هر کسی»^۲ تعیین کرده است. الزام «پیشگیری»^۳ از تروریسم به عنوان اولین ستون از چهار رکن مطرح شده در استراتژی ضد تروریسم اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵، و به دنبال آن ستون‌های باقی مانده «محافظت»^۴، «پیشگیری»^۵ و «پاسخ»^۶ (شورای اروپا) تدوین شده است. اگرچه کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۰ این استراتژی را به عنوان «چارچوب مرجع اصلی برای اقدام اتحادیه اروپا در این زمینه»^۷ توصیف کرد، بازنگری در سیاست درخواست شده توسط پارلمان اروپا به تدریج مبارزه با تروریسم را در «استراتژی امنیت داخلی»^۸ اتحادیه اروپا با هدف همگامی با چالش‌های آینده گنجانده است. استراتژی امنیت داخلی اتحادیه اروپا از تروریسم به عنوان تهدید اصلی برای امنیت اتحادیه اروپا یاد می‌کند که به عنوان «حق اساسی» مردم اروپا قرار گرفته است (Melhuish and Heath-Kelly, 2022: 318). براین اساس، در ادامه به توضیح مفاهیم و دال‌های اصلی در گفتمان ضد تروریستی اتحادیه اروپا پرداخته شده است.

۳-۱. دال مرکزی؛ دولت‌های درمانده و شکننده^۹

پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر، توجه به دولت‌های شکننده به دلیل ملاحظات امنیتی افزایش یافت. دولت‌های شکننده به عنوان تهدیدی بالقوه شناخته می‌شوند که می‌توانند فضاها را بدون حکومت ایجاد کرده و زمینه‌ساز گسترش جنایت و تروریسم شوند. اتحادیه اروپا نیز از روند جهانی توجه به این کشورها مستثنی نبوده است، هرچند که تقریباً چهار سال طول کشید تا نگرانی‌های مربوط به «شکست دولت» که در استراتژی امنیتی اروپا در سال ۲۰۰۳ مطرح شده بود، به سیاستی رسمی در مورد کشورهای شکننده تبدیل شود. این سیاست‌ها ارتباط نزدیکی با نگرانی‌های امنیتی داشتند و بر مجموعه‌ای گسترده از ابزارهای سیاسی

¹ radicalisation

² anywhere, anytime, anyone

³ prevent

⁴ protect

⁵ pursue

⁶ respond

⁷ main reference framework for EU action in this field

⁸ Internal Security Strategy (ISS)

⁹ Failed states

تأکید می‌کردند که ارتباط میان جنبه‌های توسعه، بشردوستانه، نظامی و امنیتی را فراهم می‌آورد. اتحادیه اروپا با تصویب «استراتژی امنیتی» خود، بر کشورهای شکننده تأکید بیشتری کرد و شکست دولت را به عنوان تهدیدی کلیدی شناسایی کرد که هم به عنوان تهدید مستقل و هم به عنوان عامل مؤثر بر تهدیدات دیگر مطرح می‌شود. خاویر سولانا، نماینده عالی اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که شکست دولت به دلیل فساد، سوءاستفاده از قدرت، نهادهای ضعیف و درگیری‌های داخلی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و تهدیدهایی همچون جنایت سازمان‌یافته و تروریسم شود. این استراتژی به کاربرد ابزارهای مختلف از جمله نیروی نظامی، دیپلماسی، روابط تجاری، کمک‌های توسعه و بشردوستانه تأکید می‌کند (Hout, 2010: 145).

بنابراین، حکمرانی خوب یکی از موضوعات اصلی است که ابعاد خارجی گفت‌وگوهای مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا را شکل می‌دهد. بین تروریسم و افراط‌گرایی از یک سو و مشکلات حاکمیتی از سوی دیگر رابطه‌ای متعادل برقرار می‌شود. گفت‌وگوهای ضدتروریسم اتحادیه اروپا به طور انتخابی از گفت‌وگوهای برنامه سازمان ملل پس از جنگ سرد در مورد حکمرانی خوب، که منطق، تکنیک‌ها و سازوکارهای مداخلات این سازمان در کشورهای ثالث در سراسر جهان را از دهه ۱۹۹۰ شکل داده است، نشأت می‌گیرد. گفت‌وگوهای سازمان ملل، حکمرانی خوب را به عنوان «کیفیت نهادهای دولتی»^۱ می‌داند که با توانایی دولت‌ها برای اداره مؤثر حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در یک قلمرو مشخص می‌شود. اجزای اصلی گفت‌وگوهای حکمرانی خوب سازمان ملل، حاکمیت قانون است. در راهبرد گفت‌وگومانی اتحادیه اروپا تروریسم و رادیکالیزه شدن را به عنوان شکست حکومت تبدیل می‌کند و مشکلات حاکمیتی را خطرات امنیتی مهمی برای تروریسم و افراط‌گرایی برای به دست آوردن جای پای محکم در جوامعی می‌داند که دارای حکومت ضعیف هستند. این راهبرد تصویری هشداردهنده از تهدید ناشی از حکمرانی بد از طریق استفاده از عبارتی مانند، «دولت‌های شکست خورده و در حال شکست»^۲ به عنوان «پناهگاه بالقوه تروریست‌ها»^۳، «کشورهای در حال گذار یا کشورهایی که دارای حکومت ضعیف هستند»^۴ و «کشورهای شکننده مستعد افراط‌گرایی

¹ the quality of state institutions

² failed and failing states

³ potential havens for terrorists

⁴ countries in transition or those characterized by weak governance

خشونت آمیز^۱ ترسیم می‌کند (Isleyen, 2017: 64).

در سند استراتژی ضد تروریسم اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ حکمرانی خوب را به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی خود تعریف می‌کند: «طیفی از شرایط در جامعه وجود دارد که ممکن است محیطی را ایجاد کند که در آن افراد راحت‌تر رادیکال شوند. این شرایط شامل حکومت ضعیف و خودکامه است. نوسازی سریع اما مدیریت نشده؛ فقدان چشم‌انداز سیاسی یا اقتصادی و فرصت‌های آموزشی. در داخل اتحادیه این عوامل به طور کلی وجود ندارد، اما ممکن است در بخش‌های مختلف جمعیت وجود داشته باشد. برای مقابله با این، در خارج از اتحادیه، ما باید حکومت‌داری خوب، حقوق بشر، دموکراسی و همچنین آموزش شکوفایی اقتصادی را با جدیت بیشتری ترویج کنیم و در حل مناقشه شرکت کنیم» (The European Union Counter-Terrorism Strategy, 2005).

۳-۲. دال‌های شناور

در مباحث بالا گفته شد که دولت‌های درمانده و شکننده یا شکست خورده مفهومی است که از اهمیت بسیار زیادی در گفتمان امنیتی ضد تروریسم اتحادیه اروپا برخوردار است. به این ترتیب، این مفهوم به عنوان دال مرکزی گفتمان مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا توضیح داده شد. در ادامه مفاهیم دیگری مرتبط با عنوان دال‌های شناور در اطراف دال مرکزی و در چارچوب منظومه‌ی گفتمانی اتحادیه اروپا در مقابله با تروریسم بررسی شده است.

۳-۲-۱. افراط‌گرایی خشونت آمیز و اسلام‌گرایی رادیکال

از زمان حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، خشونت سیاسی اسلامی در شکل‌گیری الگوهای تروریسم جهانی تأثیرگذار بوده است. بر اساس آخرین برآوردها، خشونت اسلامی بیشترین تعداد وقایع و همچنین مرگبارترین حملات را در جهان به خود اختصاص داده است. این روند جهانی الگوهای خاص منطقه‌ای را پنهان می‌کند. اروپا به عنوان یک قاره در مقایسه با آسیا و خاورمیانه نسبتاً در امان به نظر می‌رسد. اگرچه حملات از سال ۲۰۱۵ پس از یک دهه کاهش پس از وقایع مادرید (۲۰۰۴) و لندن (۲۰۰۵) ناگهان افزایش یافته است. رادیکالیزه شدن مسلمانان اروپایی به عنوان تغییر باورها، احساسات و رفتارها در جهت‌هایی که خشونت بین گروهی را توجیه می‌کند، اخیراً سطح بی‌سابقه‌ای از رسانه‌ها و توجه دولت را به خود جلب

¹ fragile states prone to violent extremism

کرده است و عمدتاً اعتقادات مذهبی را دلیل اصلی افراط‌گرایی مؤمنان مسلمان میدانند (Egger and Magni-Berton, 2021: 581). دو سازوکار رقیب برای ارزیابی علل خشونت سیاسی اسلامی شناسایی شده است. از یک سو، برخی ایدئولوژی اسلامی را عامل مستقیم رادیکالیزه شدن مردم مسلمان می‌دانند که در برخی موارد افراطی منجر به دخالت در حملات تروریستی می‌شود. انتشار باورهای افراطی در مورد توجیه و استفاده از خشونت در جوامع مسلمان به دلیل افزایش مخاطبان گروه‌های اسلام‌گرا در موضوعات مرتبط با تفسیر اصول اسلامی است. از سوی دیگر، محققان دیگر ادعا می‌کنند که غالب خشونت اسلامی را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که افراد رادیکال به طور فزاینده‌ای به اسلام روی می‌آورند زیرا در ایدئولوژی اسلام‌گرای افراطی راهی برای توجیه نگرش خود می‌یابند. به عبارت دیگر، گروه‌های اسلام‌گرا خواسته‌ها و برنامه‌های افراد رادیکالیزه را طرح‌ریزی می‌کنند (Egger and Magni-Berton, 2021: 582).

از سال ۲۰۰۱، کشورهای اروپایی هدف چندین حمله تروریستی موفق و بسیاری از تلاش‌های خنثی شده با انگیزه‌های ایدئولوژیک مختلف قرار گرفته‌اند که تروریسم را به برنامه‌های سیاسی بازگردانده و در دوره‌هایی و در برخی کشورها، در رأس نگرانی‌های شهروندان اروپایی قرار داده است. از سال ۲۰۰۴، اتحادیه اروپا مبارزه با رادیکال‌سازی را به عنوان یک استراتژی مهم برای پیشگیری و مبارزه با تروریسم شناسایی کرده است. اتحادیه اروپا در طول سالیان متمادی سیاست‌ها، استراتژی‌ها و اعلامیه‌هایی را برای مقابله با افراط‌گرایی در میان شهروندان و ساکنان خود اتخاذ کرده است. اما ظهور داعش و جذابیت آن برای هزاران اروپایی چالش‌های جدیدی را برای اتحادیه اروپا ایجاد کرد و تعدادی از واکنش‌ها را از سوی بروکسل، پایتخت‌های ملی و نهادهای محلی به دنبال داشته است. این سیستم چند سطحی ضد رادیکال‌سازی، شامل انبوهی از کنشگران و کنار هم قرار دادن مداخلات در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، ورودی مهمی به بحث‌های گسترده‌تر در مورد اینکه چگونه می‌توان ضدیت با رادیکالیسم را حمایت و تقویت کرد، فراهم می‌کند (Martins and Ziegler, 2018: 4).

در استراتژی امنیت اروپا آمده است که اروپا هم هدف و هم پایگاه تروریسم است: کشورهای اروپایی هدف هستند و مورد حمله قرار گرفته‌اند. پایگاه‌های لجستیکی برای هسته‌های القاعده در بریتانیا، ایتالیا، آلمان، اسپانیا و بلژیک کشف شده است. در این استراتژی به خطر استفاده گروه‌های تروریستی از بمب‌های بیولوژیکی، شیمیایی یا حتی هسته‌ای در خاک اروپا اشاره شده است. در نوامبر ۲۰۰۴، مسئول

هماهنگ کننده مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا گفت: «خطر حملات تروریستی بیشتر در اروپا همچنان وجود دارد و تهدید عمدتاً از شبکه‌ها، گروه‌ها یا افراد اسلام‌گرا سرچشمه می‌گیرد، اگرچه گروه‌های غیراسلامی نیز همچنان به این تهدید ادامه می‌دهند». بر این مبنا، تهدید تروریستی برای اتحادیه اروپا توسط تعداد زیادی از گروه‌ها و سازمان‌ها اعم از شبکه‌های بین‌المللی جهادی و گروه‌های ملی‌گرای بزرگ گرفته تا تندروهای سیاسی خشن ایجاد شده است. فعالانی که عموماً در اقدامات خرابکارانه و آسیب‌جنایی دخیل هستند. در حالی که اتحادیه اروپا به عنوان یک نهاد ممکن است در معرض تهدید خاصی از سوی القاعده و یا وابسته‌های آن نباشد، این گروه‌ها تعدادی از کشورهای عضو را هدف قرار می‌دهند که به عنوان دشمنان اسلام تلقی می‌شوند و به دلیل اهداف «مشروع» تعیین شده‌اند. تعداد زیاد دستگیری‌های تروریست‌ها یا حامیان اسلامی در اتحادیه اروپا نیز نشان دهنده این است که اروپا نه تنها هدف القاعده و سایر گروه‌های جهادی است، بلکه باید به عنوان محل جذب نیرو و پشتیبانی لجستیکی برای گروه‌های جهادی نیز در نظر گرفته شود (Lugna, 2006: 103-105).

بنابراین، اتحادیه اروپا پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، به کنشگری در مبارزه با تروریسم تبدیل شد. این رویکرد با دو هدف عمده همراه بود: ۱) تمایل به نشان دادن حمایت و همبستگی با ایالات متحده، و ۲) درک ناگهانی از این که شکل جهانی تروریسم، اتحادیه اروپا را نیز به یک هدف بالقوه تبدیل کرده است. در سال‌های بعد، در سند استراتژی مبارزه با تروریسم در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵، اتحادیه اروپا چهار راه را تعریف می‌کند که از طریق آن‌ها می‌تواند به کشورهای عضو در مبارزه با تروریسم کمک کند. این راهکارها عبارتند از: «تقویت قابلیت‌های ملی»^۱، «تسهیل همکاری اروپایی»^۲، «توسعه قابلیت‌های جمعی»^۳ و «ارتقای مشارکت بین‌المللی»^۴ فراتر از اتحادیه اروپا. بر این اساس، استراتژی مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا بر نیاز به «شناسایی و مقابله با روش‌ها، تبلیغات و شرایطی که از طریق آن مردم به سمت تروریسم کشیده می‌شوند» تأکید می‌کند. همچنین چالش خاصی را که افراط‌گرایی اسلام‌گرا ایجاد کرده، تشریح می‌کند و طیف واکنش‌هایی را که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن می‌توانند برای مبارزه با آن دنبال کنند، توضیح می‌دهد (Martins and Ziegler,

¹ strengthening national capabilities

² facilitating European cooperation

³ developing collective capabilities

⁴ promoting international partnership

10-9: 2018).

اگرچه دولت‌های اروپایی طیف وسیعی از ابزارها را برای مبارزه با پدیده افراط‌گرایی خشونت‌آمیز اسلام‌گرا به کار گرفته‌اند، اتحادیه اروپا به دنبال ایفای نقش رهبری با توجه به ضعف‌هایی که در اشتراک‌گذاری اطلاعات اروپا در اثر حوادث تروریستی آشکار شده است و نظارت بر مرزها می‌باشد. مرزهای اتحادیه اروپا تا حد زیادی باز است. اگرچه رهبران اتحادیه اروپا نسبت به برابری پناهجویان با تروریست‌ها هشدار می‌دهند، آن‌ها همچنین اذعان دارند که تروریست‌ها می‌توانند از همان مسیرهای مهاجرت برای ورود به اروپا استفاده کنند. تلاش‌های اتحادیه اروپا برای بهبود ظرفیت‌های خود برای رسیدگی به جنبه‌های مختلف تهدید افراط‌گرایی اسلام‌گرا مبتنی است بر افزایش اشتراک‌گذاری اطلاعات بین مقامات ملی و اتحادیه اروپا، تقویت کنترل مرزهای خارجی، و تقویت اقدامات موجود ضد رادیکالیزه کردن، از جمله فضای آنلاین و در زندان‌ها. با این وجود، توافق و اجرای سیاست‌های مشترک اتحادیه اروپا برای مقابله با تروریسم و تهدید افراط‌گرایان چالش برانگیز بوده است. این عمدتاً به این دلیل است که چنین ابتکاراتی اغلب به اختیارات پلیس، قضایی و اطلاعاتی مربوط می‌شود که به عنوان محوری برای حاکمیت یک دولت در نظر گرفته می‌شود. ضرورت ایجاد توازن بین ارتقای امنیت با حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی، تدوین برخی از سیاست‌های اتحادیه اروپا را نیز پیچیده کرده است (Archick, 2016: 16).

همانگونه که گفته شد، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو همواره مسئله‌ی تروریسم و افراط‌گرایی و مقابله با آن را در دستور کار شورای اروپا مدنظر داشته‌اند. برای مثال در بیانیه‌ی اعضای شورای اروپا در مورد مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۱۵ بیان شد: «اروپایی‌ها با اندوه عمیق و اتحاد قوی به حملات تروریستی اخیر در پاریس واکنش نشان دادند. این حملات ارزش‌های اساسی و حقوق بشری را از جمله آزادی بیان، کثرت‌گرایی، دموکراسی، مدارا و کرامت انسانی را هدف قرار دادند. همه شهروندان حق دارند فارغ از هراس و هر عقیده‌ای که دارند زندگی کنند. ما از ارزش‌های مشترک خود محافظت خواهیم کرد و از همه در برابر خشونت مبتنی بر انگیزه‌های قومی یا مذهبی و نژادپرستی محافظت خواهیم کرد. این نیز به معنای مبارزه با دشمنان ارزش‌های ماست. ما اقدامات علیه تهدیدات تروریستی را با رعایت کامل حقوق بشر و حاکمیت قانون بیشتر تقویت خواهیم کرد. امروز ما در مورد موارد زیر برای هدایت کار در ماه‌های آینده توافق کردیم: (۱) تامین امنیت شهروندان. (۲) جلوگیری از افراط‌گرایی و حفظ ارزش‌ها. (۳) همکاری با

شرکای بین‌المللی ما» (Statement by the members of the European Council, 2015). در بیانیه مشترک وزیران کشور اتحادیه اروپا درباره حملات تروریستی در اروپا در سال ۲۰۲۰ نیز گفته شد: «ما بر اتحاد و همبستگی تزلزل‌ناپذیر خود در مبارزه با انواع تروریسم تأکید می‌کنیم... ما به تلاش‌های مشترک خود علیه تروریسم با قاطعیت ادامه خواهیم داد و به هیچ وجه در مورد اعتقاد مشترک خود به کرامت انسانی، مدارا، دموکراسی، عدالت و آزادی، از جمله آزادی بیان، مصالحه نمی‌کنیم... ما مصمم به حفاظت از جوامع اروپا و مردم آن هستیم. ما از ارزش‌های مشترک و سبک زندگی اروپایی خود دفاع خواهیم کرد. ما از جوامع کثرت‌گرا محافظت خواهیم کرد و با عزم راسخ به مبارزه با انواع خشونت‌های مردم را بر اساس منشاء واقعی یا فرضی قومی یا اعتقادات مذهبی آن‌ها یا بر اساس انواع دیگر تعصب هدف قرار می‌دهند، ادامه خواهیم داد» (Joint statement by the EU home affairs ministers, 2020).

۲-۳. مهاجرین غیرقانونی

دوران پس از جنگ سرد، نه تنها در تقسیمات ناشی از آن مثلاً ظهور دولت‌های جدید، بلکه در تحرک زیاد افراد و مهاجرت آنان، چالش‌های شدیدی را برای برخی از سرزمین‌های مستقل ایجاد کرد. مهاجرت اغلب از نظر امنیتی در نظر گرفته می‌شود و چالش برانگیز است. پس از یازده سپتامبر موضوع تروریسم این رویکرد را بیشتر ترویج داده و مرزها را مورد توجه دولت‌ها قرار داده است. از این منظر، مهاجرت غیرقانونی به عنوان یک اتفاق اساسی در نظر گرفته می‌شود که منعکس‌کننده انعطاف‌پذیری مرزها و نیاز به نظارت بیشتر است. بنابراین، کنترل مرزها به یک نگرانی مهم در دستور کار سیاست بسیاری از کشورهای اروپایی که از بی‌نظمی در سراسر مرزهای خود رنج می‌برند، تبدیل شده است. نظارت بر مرزها با ابزارهای فناوری و اقدامات تکمیلی برای کنترل افرادی که وارد کشورها می‌شوند، انجام شده است. وقتی دولت‌ها مرزهای خود را می‌بندند و از زور استفاده می‌کنند، آزادی افراد را محدود می‌کنند و این می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر شود. بنابراین می‌توان تأیید کرد که مرزها در اروپا اکنون به مناطق تقابل اخلاقی تبدیل شده‌اند: ضرورت دفاع در مقابل احترام به حقوق بشر (Cierco and Silva, 2016: 6).

نگرش کلی نسبت به تحرک انسان در اروپا متناقض است. از یک سو، مهاجرت از نقاط فقیرتر جهان به اروپا، که به صورت غیرقابل پیش‌بینی توصیف می‌شود، تهدیدی برای هویت‌های سرزمینی جوامع میزبان و همچنین امنیت فردی و اجتماعی است. از سوی دیگر، تا آنجا که به مهاجرت نیروی کار داخلی

مربوط می‌شود، تحرک شهروندان اتحادیه اروپا به عنوان اقدامی معقول و سازمان‌یافته در آغاز روند ادغام اروپا تلقی می‌شد. در اروپا این باور وجود دارد که مهاجران کشورهای در حال توسعه اغلب با قاچاق، کار غیرقانونی، مواد مخدر، مشکلات اجتماعی، جرایم سازمان‌یافته، بنیادگرایی و تروریسم مرتبط هستند. در دسامبر ۲۰۰۱، شورای اروپا اعلام کرد که مدیریت بهتر مرزهای خارجی اتحادیه به مبارزه با تروریسم، شبکه‌های مهاجرت غیرقانونی و تردد انسان‌ها کمک خواهد کرد. بر اساس قانون جامعه، مرزهای خارجی اتحادیه اروپا «مرزهای زمینی کشورهای عضو، از جمله مرزهای رودخانه و دریاچه، مرزهای دریایی و فرودگاه‌های آن‌ها، بنادر رودخانه، بنادر دریایی و بنادر دریاچه هستند، مشروط بر اینکه مرزهای داخلی نباشند» (Cierco and Silva, 2016: 7-9).

مهاجرت و تروریسم یکسان نیستند، اما این واقعیت که آن‌ها دست کم از یازده سپتامبر به بعد در سیاست معاصر به عامل همدیگر تبدیل شده‌اند را نمی‌توان به سادگی نادیده گرفت. برای درک این مسئله باید گفت، از یک سو، دولت - ملت‌ها نتوانسته‌اند شرایط اجتماعی لازم برای «حقوق بشر» جهانی را که در ابتدا توسط اعلامیه قرن نوزدهم وعده داده شده بود، فراهم کنند. بنابراین پدیده مهاجرت یک مشکل منحصر به فرد برای دولت - ملت ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، دولت - ملت‌ها در خنثی کردن سازمان‌های تروریستی ناکام مانده‌اند. در واقع، پدیده گروه‌های تروریستی مذهبی معاصر مانند القاعده تا حدودی محصول جنگ‌های ملی‌گرایانه مانند جنگ سرد است. بنابراین، انشعاب گروه‌های اقلیت، امکان جنگ‌های داخلی و ملی‌گرایانه از هر نوع را ایجاد می‌کند. تروریسم مذهبی نتیجه طبیعی یا ضروری شکست ناسیونالیسم قومی به هیچ وجه نیست، اما قطعاً به یکی از برجسته‌ترین مظاهر معاصر آن تبدیل شده است که خارج از یک بحران تاریخی خاص دولت - ملت نمی‌توان آن را درک کرد (Nail, 2016: 159).

به طور کلی، اکثریت افرادی که به دنبال ورود به اروپا هستند، در کشورهای خود درگیر خشونت هستند. به گفته سازمان ملل، بیش از ۱۲ میلیون نفر در داخل سوریه به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. عراقی‌ها نیز با تجدید خشونت و درگیری مواجه هستند، از جمله در رابطه با داعش. به گفته کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، بیش از چهار میلیون عراقی در حال حاضر در داخل و خارج از کشور آواره هستند. در افغانستان، سومالی، سودان جنوبی، جمهوری آفریقای مرکزی، مالی، نیجریه و اریتره، درگیری‌ها و بحران‌های طولانی‌مدت زندگی میلیون‌ها غیرنظامی را تهدید می‌کند و بسیاری را مجبور به ترک کشور خود در جستجوی امنیت و امنیت در اروپا و جاهای دیگر کرده است (Metcalf-Hough,

بنابراین، در سال های اخیر، تعداد مهاجرانی که به اتحادیه اروپا می رسند به طور چشمگیری افزایش یافته است. بحران مهاجرت و پیامدهای سیاسی آن با شدت های متفاوتی در سراسر اروپا احساس شده است. در این شرایط بحرانی، هماهنگی در سطح اتحادیه اروپا به دلیل منافع تودرتوی کشورهای عضو مشکل ساز شده است. در سال ۲۰۱۵، بیش از یک میلیون نفر پس از عبور از دریای مدیترانه به اروپا رسیدند که نسبت به مهاجرت ۲۵۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۴ و ۶۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۳ افزایش چشمگیری داشته است. دیمیتریس اوراموپولوس^۱، کمیسر مهاجرت اعلام کرد: «جهان خود را با بدترین بحران پناهجویان از زمان جنگ جهانی دوم و بعد از جنگ جهانی دوم مواجه می کند. اروپا خود را برای مقابله با هجوم بالای مردمی که به دنبال پناهندگی در داخل مرزهای ما هستند دچار مشکل می شود. این سناریوی بحرانی مهاجرت را به موضوعی برجسته تر در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا تبدیل کرده است: طبق داده ها از سال ۲۰۱۵، مهاجرت از سوی شهروندان به عنوان مهم ترین موضوعی که در حال حاضر اتحادیه اروپا با آن مواجه است، تلقی می شود». اغلب ارتباط بین مهاجرت، جرم و جنایت و تروریسم به گسترش هراس اخلاقی در جامعه کمک کرده است و موضوع مهاجرت را در صدر دستور کار قرار داده است (Conti and et al, 2019: 492-993).

بر این اساس، مقامات اتحادیه اروپا برای ارتقای امنیت خود اقدامات خاصی را برای نظارت و کنترل بر مرزها و سوابق مهاجرین انجام می دهند. به عنوان نمونه: در سراسر اتحادیه اروپا از سیستم اطلاعات شینگن^۲ برای وارد کردن یا مشاوره هشدارها درباره افراد و اشیاء تحت تعقیب یا گمشده استفاده می کنند. سیستم اطلاعات شینگن همچنین دستورالعمل هایی را به مقامات ارائه می دهد که چگونه هنگام یافتن یک شخص یا شی، واکنش نشان دهند، مانند: دستگیری یک فرد تحت تعقیب، محافظت از یک فرد ناپدید شده آسیب پذیر، توقیف یک شی غیرقانونی یا مسروقه. سیستم اطلاعات ویزا^۳ نیز از سال ۲۰۱۱ عملیاتی شده است. این سیستم به مقامات ویزا، مرزی، پناهندگی و مهاجرت کمک می کند تا اتباع کشورهای ثالثی را که برای سفر به منطقه شنگن نیاز به ویزای کوتاه مدت دارند، بررسی کنند. سیستم مدیریت درخواست های پناهندگی اروپا هم حاوی اثر انگشت متقاضیان پناهندگی است که در کشورهای عضو اتحادیه اروپا

¹ Dimitris Avramopoulos

² Schengen information system (SIS)

³ Visa information system (VIS)

و کشورهای مرتبط ثبت شده اند. و کمک می کند تا بررسی شود که آیا متقاضی قبلاً در یک کشور عضو دیگر درخواست پناهندگی داده است یا خیر. آیا متقاضی قبلاً هنگام ورود غیرقانونی به خاک اروپا دستگیر شده است یا خیر. کدام کشور عضو مسئول بررسی درخواست پناهندگی است. همچنین شورای اروپا در سال ۲۰۱۷، سیستم ورود / خروج^۱ را تصویب کرد. سیستم ورود/ خروج کمک خواهد کرد: کاهش تأخیر بازرسی های مرزی و بهبود کیفیت بازرسی های مرزی با محاسبه خودکار مدت اقامت مجاز هر مسافر. اطمینان از شناسایی سیستماتیک و قابل اعتماد افراد بیش از حد اقامت. تقویت امنیت داخلی و مبارزه با تروریسم و سایر جرایم جدی با اجازه دادن به مقامات مجری قانون برای دسترسی به سوابق تاریخ سفر (IT systems to fight crime and secure EU borders).

۳-۲-۳. سلاح های کشتار جمعی

ارتباط صریح تروریسم با تهدید ناشی از سلاح های کشتار جمعی وجود دارد با این ایده که تروریست های جدید و مذهبی پس از یازده سپتامبر به دنبال ایجاد «تلفات گسترده»^۲ هستند. سند استراتژی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ علیه اشاعه سلاح های کشتار جمعی به طور کاملاً واضح نحوه ارتباط تسلیحات کشتار جمعی و تروریسم را به صورت گفتمانی نشان می دهد این سند استدلال می کند که «خطر دستیابی تروریست ها به مواد شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی یا شکافت پذیر» بسیار واقعی است و «بعد حیاتی جدیدی به تهدید تروریسم» می افزاید، و علاوه بر این، «احتمال استفاده از سلاح های کشتار جمعی توسط تروریست ها که در قلمرو اتحادیه اروپا وجود دارد. یک تهدید مستقیم و رو به رشد برای جوامع اروپایی است». در طول دوره مورد تجزیه و تحلیل، گفتمان مملو از ارجاعات به تهدید بالقوه ناشی از تروریست های دارای سلاح کشتار جمعی است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۹، اتحادیه اروپا برنامه اقدام CBRN را منتشر کرد که هدف آن تقویت امنیت «شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته ای»^۳ در اتحادیه اروپا بود. این سند رویکردی را با هدف کاهش تهدید و خسارات ناشی از حوادث CBRN با منشأ تصادفی، طبیعی یا عمدی، از جمله اقدامات تروریستی، با اولویت خاص تهدید تروریستی ارائه می کند. این آمیختگی گفتمانی تهدید تروریسم با گسترش سلاح های کشتار جمعی به عنصر اصلی گفتمان ضد تروریسم اتحادیه اروپا تبدیل شده

¹ Entry/exit system

² massive casualties

³ chemical, biological, radiological and nuclear (CBRN)

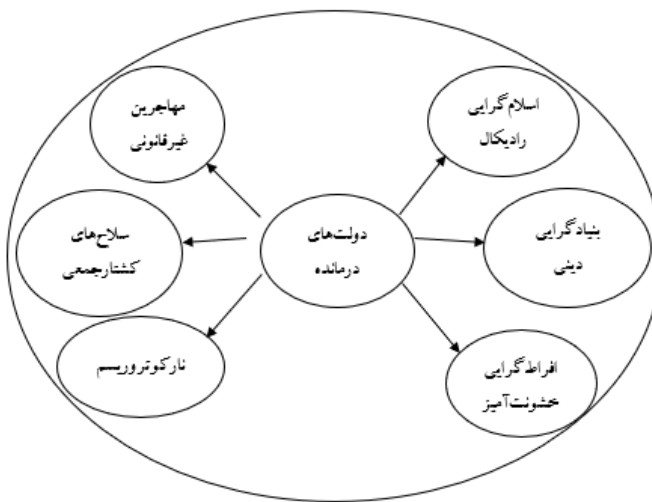
است (Baker-Beall, 2014: 12-13).

تروریست‌ها حملات خود را به مؤسسات مرتبط با دولت محدود نمی‌کنند، بلکه به دنبال جلب حداکثری تبلیغات از حملات پرمخاطب هستند که عمداً باعث کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان می‌شوند. به نظر می‌رسد اراده برخی از این تروریست‌ها برای استفاده از وسایل شیمیایی ثابت است. با این حال، محبوب‌ترین روش همچنان بر بمب‌گذاران انتحاری تکیه دارد. اما باید در نظر بگیریم که اطلاعات نشان می‌دهد که گروه‌های تروریستی اسلامی علاقه‌مند به استفاده از مواد شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای هستند. کتاب‌های دستور تهیه سم در کمپ‌های آموزشی در افغانستان، پاکستان و گرجستان یافت شد. به طور خاص، دستگیری‌ها در فرانسه، اسپانیا و بریتانیا انجام شده است، جایی که آثاری از دستورالعمل‌های آموزشی برای استفاده از مواد شیمیایی وجود دارد. که نشانه‌هایی از تلاش برای به دست آوردن مواد CBRN هستند. این به این فرض اشاره دارد که تهدید یک حمله شیمیایی یا بیولوژیکی در مقیاس کوچک در اتحادیه اروپا به طور قابل توجهی بیشتر از گذشته است (Lugna, 2006: 104).

از این رو، اتحادیه اروپا مانند تهدیدات دیگر، تهدید سلاح‌های کشتار جمعی را در پیوند توسعه امنیتی درک می‌کند و تمایل دارد به علل اصلی آن بپردازد. بر این اساس، اتحادیه اروپا تأکید بیشتری بر پیشگیری و راه حل‌های بلندمدت اما از نظر خود مؤثرتر برای مشکل دارد. در چارچوب هویت خود، کار بر روی توسعه، حکمرانی خوب و احترام به حقوق بشر می‌تواند صلح پایدار را به ارمغان بیاورد و انگیزه‌های دولت‌ها را برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی از بین ببرد. از سوی دیگر، اتحادیه اروپا با تأکید بر امکان استفاده از زور تنها تحت دستور سازمان ملل، در تلاش است تا انگیزه‌های خارجی احتمالی این کشورها را برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی از بین ببرد. این همان جایی است که رویکرد اتحادیه اروپا با ایالات متحده متفاوت است. تعریف «کشورهای شکننده» به عنوان منبع اصلی نگرانی، به جای آنچه که ایالات متحده آن را «دولت‌های سرکش» می‌خواند، این تفاوت را نیز نشان می‌دهد. این تشخیص از منابع تهدید و اثرات درک شده‌ای که برای امنیت اتحادیه اروپا دارد، منجر به تفاوت در انتخاب درمان می‌شود. «کشورهای شکننده» باید هدف استراتژی‌های بلندمدت اتحادیه اروپا باشند تا کاستی‌های خود را اصلاح کنند، اما «دولت‌های سرکش» باید هدف تلاش‌های نظامی ایالات متحده برای مقابله با اشاعه هسته‌ای با نتایج فوری باشند (Kostić, 2021: 146-147).

۴-۲-۳. ناکوتروریسم

قاچاق مواد مخدر به ویژه در آسیای مرکزی به یکی از چالش‌های امنیتی و سیاسی مهم برای اتحادیه اروپا تبدیل شده است. گروه‌های قاچاق علاوه بر فعالیت در این منطقه، مسیرهای خود را به اروپا نیز گسترش داده‌اند که این امر تهدیدی جدی برای امنیت داخلی اتحادیه محسوب می‌شود. از سوی دیگر، آسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود، نقش کلیدی در تجارت و انتقال انرژی به اروپا دارد. اتحادیه اروپا با هدف تثبیت جایگاه خود به عنوان شریک اصلی انرژی، از طریق دیپلماسی انرژی در تلاش است تا نفوذ خود را در این منطقه افزایش داده و امنیت مسیرهای انتقال انرژی را تضمین کند. با این حال، سیاست‌های سرکوب‌گرایانه حکومت‌های اقتدارگرای منطقه، در کنار مشکلات اقتصادی و اجتماعی همچون بیکاری و فقر، زمینه را برای رشد گروه‌های تروریستی که از قاچاق مواد مخدر تأمین مالی می‌شوند، فراهم کرده است. این مسئله نه تنها روابط اتحادیه اروپا با کشورهای آسیای مرکزی را با چالش مواجه ساخته، بلکه امنیت انرژی اروپا را نیز که به خطوط انتقال این منطقه وابسته است، به خطر انداخته است. علاوه بر این، استراتژی امنیت داخلی اتحادیه اروپا (۲۰۱۵-۲۰۲۰) یا دستور کار اروپایی در مورد امنیت در سال ۲۰۱۵ مبارزه با تروریسم، جرایم سازمان یافته را در اولویت قرار می‌دهد. طبق این سند استراتژیک تروریسم و جرم سازمان یافته از طریق کانال‌هایی مانند قاچاق سلاح، قاچاق مواد مخدر و نفوذ در بازارهای مالی تغذیه می‌کنند. بنابراین، در سال ۲۰۱۷ با صدور دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص مبارزه با تروریسم تأکید می‌کند: تجارت غیرقانونی اسلحه گرم، نفت، مواد مخدر، سیگار، کالاهای تقلبی و اشیاء فرهنگی و همچنین قاچاق انسان، دزدی و اخاذی به راه‌های پرسود برای گروه‌های تروریستی برای کسب بودجه تبدیل شده است. در این زمینه، افزایش پیوند بین جنایات سازمان یافته و گروه‌های تروریستی یک تهدید امنیتی فزاینده برای اتحادیه اروپا است و بنابراین باید توسط مقامات کشورهای عضو درگیر در دادرسی کیفری مورد توجه قرار گیرد (Van Poecke and Wouters, 2022: 8).



منبع: نگارنده

۴. غیریت‌سازی و ضدیت در گفتمان مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا

بر اساس دال‌های گفتمانی مطرح شده و شاخص‌هایی که اتحادیه اروپا برای معرفی و شناسایی گروه‌های تروریستی به کار برده است، گروه‌های تروریستی بسیاری به عنوان گروه‌های غیریت‌ساز در گفتمان مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا شناخته شده است که در سیاست خارجی اتحادیه اروپا بازنمایی یافته است. در ادامه به توضیح برخی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی از منظر اتحادیه اروپا و رویکرد اتحادیه اروپا و نحوه‌ی مقابله با این گروه‌ها پرداخته شده است.

۴-۱. القاعده

فعالیت‌های تروریستی از نوع القاعده که در اروپا یا توسط ساکنان اروپایی و شهروندان خارج از کشور انجام می‌شود، به عنوان شکل افراطی و در نتیجه به عنوان یک نتیجه منطقی از رادیکالیزه شدن مرتبط با اسلام تلقی می‌شود (Roy, 2008: 2). سند استراتژی امنیت اروپا شورای اروپا در سال ۲۰۰۳ نقش مهمی در تقویت فراروایت «مبارزه با تروریسم» ایفا کرد. در این سند آمده است که در نتیجه محیط ژئوپلیتیکی که اروپا در دوران پس از جنگ سرد با آن مواجه است، به طوری که «مرزهای باز» به طور فزاینده‌ای رایج‌تر شده و جهانی شدن با سرعت در حال رخ دادن است، «این تحولات همچنین دامنه فعالیت گروه‌های

غیردولتی را برای ایفای نقش در امور بین‌المللی افزایش داده است. این سند بر این مفهوم تأکید می‌کند که «موج جدید تروریسم» با «جنبش‌های تروریستی مشخص می‌شود که منابع مناسبی دارند و توسط شبکه‌های الکترونیکی به هم متصل می‌شوند. همچنین به طور خاص بر گروه تروریستی القاعده تمرکز کرد و اشاره کرد که پایگاه‌های لجستیکی القاعده در بریتانیا، ایتالیا، آلمان، اسپانیا و بلژیک کشف شده است. این سند همچنین ادعا می‌کند که اگر گروه‌های تروریستی زیردولتی بتوانند سلاح‌های کشتار جمعی را شناسایی کنند، در این صورت، گروه کوچکی می‌تواند در مقیاسی که قبلاً فقط برای دولت‌ها و ارتش‌ها ممکن بود خسارت وارد کند (Baker-Beall, 2014: 10).

بنابراین، در این سند اشاره شده است که تهدید اصلی تروریستی برای کشورهای غربی از سوی گروه‌های مذهبی مانند القاعده می‌آید. که برخلاف گروه‌های با انگیزه سیاسی در گذشته، عمدتاً به کشتار می‌پردازند. به این ترتیب، گفتمان مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا این نوع تروریسم را به عنوان تهدید اصلی برای اتحادیه اروپا ساخته است و در استراتژی اتحادیه اروپا برای مبارزه با رادیکال‌سازی و استخدام برای تروریسم استدلال می‌کند که اگرچه اروپا در تاریخ خود انواع مختلفی از تروریسم را تجربه کرده است. تروریسم مرتکب شده توسط القاعده و افراط‌گرایان الهام گرفته از القاعده به تهدید اصلی تروریستی برای اتحادیه تبدیل شده است. پیشگیری از تروریسم را می‌توان از طریق مقابله با فرآیندهایی که منجر به افراطی‌سازی و استخدام در تروریسم می‌شود، محقق کرد. مبارزه با افراطی‌سازی و استخدام در تروریسم که برای اولین بار در اعلامیه مبارزه با تروریسم در شورای اروپا در ۲۰۰۴ به عنوان اولویت سیاست معرفی شد، به مهمترین بعد پیشگیرانه سیاست ضد تروریسم اتحادیه اروپا تبدیل شده است. پشتوانه این جنبه از گفتمان این فرضیه است که این نوع جدید تروریسم عمدتاً یک مشکل اسلامی است که مستلزم مشارکت سازمان‌های مسلمان و گروه‌های مذهبی هستند که نسخه تحریف شده اسلام را که توسط القاعده ارائه شده را به منظور شکست تروریسم رد کنند (Baker-Beall, 2014: 12).

۴-۲. داعش

رویکرد اتحادیه اروپا به گروه تروریستی داعش در گرو بررسی تحولات نشأت گرفته از بحران سوریه می‌باشد. دو محصول جانبی مهم بحران سوریه از نظر اتحادیه اروپا مهم و بحث برانگیز بود: اول، افزایش فعالیت‌های تروریستی ناشی از بی‌ثباتی و هرج و مرج در منطقه و دوم، تحرک مردم سوریه به خارج از کشور به دنبال پناهندگی در کشورهای همسایه و اروپا. هجوم پناهجویان سوری از طریق مسیر دریای اژه

و بالکان به اتحادیه اروپا در تابستان ۲۰۱۵ افزایش یافت که منجر به مشکلات عملی و سیاسی برای کشورهای اتحادیه اروپا شد. در عین حال، حملات تروریستی مرتبط با داعش در اتحادیه اروپا یک مشکل امنیتی بزرگ ایجاد کرد و چندین کشور عضو را وادار کرد تا کنترل مرزی را در منطقه شنگن بازگردانند (Çiğdem, 2019: 46). تهدید گروه تروریستی داعش و مسئله‌ی جنگنده‌های تروریستی خارجی^۱ که برای جنگیدن به نفع اهداف داعش به اروپا و از اروپا رفتند، به نگرانی عمده اتحادیه اروپا تبدیل شد. با توجه به حملات تروریستی تجربه شده در کشورهای اروپای غربی که از سال ۲۰۱۴ و به دنبال شکل‌گیری داعش انجام شده بود، تهدید داعش به یک اولویت امنیتی برای اتحادیه اروپا تبدیل شد. با وخیم‌تر شدن وضعیت بحران سوریه و تشدید فعالیت‌های تروریستی، اتحادیه اروپا نیاز فوری به ایجاد یک استراتژی جامع و منسجم را احساس کرد که چشم‌انداز منطقه‌ای داشته باشد. این سند استراتژیک در مارس ۲۰۱۵ به تصویب شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا رسید. اتحادیه اروپا در این استراتژی به اهمیت مبارزه با گروه‌های تروریستی مانند داعش و به موازات آن جستجوی راه حل سیاسی برای مناقشه سوریه اشاره کرد. و تأکید شد که: «اتحادیه اروپا از همه ابزارهای مربوطه خود برای مقابله با تهدید ناشی از داعش و ایدئولوژی خشونت‌آمیز آن استفاده خواهد کرد و داعش را تهدیدی آشکار برای امنیت اروپا، شرکای ما در خاورمیانه و تهدیدی گسترده‌تر برای نظام بین‌الملل می‌داند». شورا از همه کنشگران بین‌المللی به ویژه کنشگران منطقه‌ای مانند ترکیه خواست تا از ائتلاف جهانی علیه داعش حمایت کنند. و اشاره کرد که نه تنها از اقدام نظامی علیه داعش بلکه از اقدامات دیگری مانند مبارزه با جنگجویان تروریست خارجی، مقابله با تأمین مالی تروریسم حمایت می‌کند (Çiğdem, 2019: 57).

مقابله با داعش باید جنبه رسانه‌ای نیز داشته باشد که به اندازه جذب آنلاین این گروه تروریستی موثر باشد. رسانه‌های اجتماعی و مهارت داعش در بهره‌برداری از آن، در گسترش تبلیغات آن‌ها و ساده‌سازی روند جذب تروریست‌ها به صورت آنلاین نقش مهمی داشته است در اتحادیه اروپا به طور خاص، داعش تا سال ۲۰۱۶، قبل از آغاز نابودی، حداقل ۳۰۰۰ جنگنده تروریست خارجی را به خدمت گرفته بود. کشورهای اتحادیه اروپا که بیشترین تعداد جنگجوی خارجی را داشتند، عبارتند از فرانسه، آلمان، بلژیک، سوئد، اتریش و هلند. نیمی از کسانی که از اتحادیه اروپا خارج شدند، سابقه جنایتکارانه

¹ foreign terrorist fighters (FTF)

داشتند، اغلب سابقه جنایات کوچک داشتند و داعش از جنایات کوچک برای تأمین مالی سفر جنگجویان خارجی از اروپا به داعش استفاده کرد (Speckhard and Ellenberg, 2020: 120).

برای مقابله با تهدیدات آنلاین تروریستی، در اتحادیه اروپا کارگروه اینترنت و شبکه‌ی رسانه‌های اجتماعی برای آگاهی از رادیکالیسم در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد. در انگلیس که قبلاً عضو اتحادیه اروپا بود، واحد اطلاعات و ارتباطات تحقیقاتی^۱ ایجاد شد که از لحاظ امنیتی بخشی از راهبرد مقابله تروریسم و پیشگیری گسترده‌تر تروریسم بوده است. در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی نیز کمپین‌های مجازی برای مقابله با تروریسم جهادی و افراط‌گرایی با هدف تأثیرگذاری بر خانواده‌های کم درآمد و مهاجر برای جلوگیری از پیوستن به گروه‌های تروریستی ایجاد شده است (Speckhard and Ellenberg, 2020: 123). بنابراین، مسئله‌ی مبارزان خارجی و جنججویان تروریستی خارجی، جایگاه اصلی را در دستور کار شورای اتحادیه اروپا به خود اختصاص داد. پس از حمله تروریستی در پاریس، اتحادیه اروپا چندین استراتژی را برای مقابله گروه‌های تروریستی و مقابله با جنگجویان تروریست خارجی اتخاذ کرد و چندین حوزه را برای اقدام در اولویت قرار داد. اقدامات عمدتاً بر روی اعمال چارچوب شینگن و کنترل جریان پناهجویان، کنترل محتوای اینترنتی ترویج افراط‌گرایی یا تروریسم خشونت‌آمیز، قاچاق اسلحه گرم و ترویج همکاری با سازمان ملل بود (Kizilkan, 2019: 328).

۴-۳. حماس

حماس در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک جنبش اجتماعی که کارهای اجتماعی مبتنی بر خیریه را انجام می‌داد ظهور کرد اما بعداً در دهه ۱۹۹۰ به یک گروه سبزه‌جو تبدیل شد. مانند حزب الله، در آغاز قرن حاضر، حماس نیز وارد عرصه سیاسی داخلی شد که مستلزم مشارکت فزاینده آن در پویایی سیاسی فلسطین بود. مشارکت حماس در نظام سیاسی فلسطین منجر به تغییر تدریجی در استراتژی سیاسی آن شده است. عدم به رسمیت شناختن قاطعانه دولت اسرائیل از مواضع مهم حماس می‌باشد. ورود حماس به عرصه سیاسی داخلی محصول محاسبات سیاسی داخلی یعنی محبوبیت روز افزون آن به دلیل شکست روند اسلو و شکست‌های فتح در حکومت‌داری و روند صلح با اسرائیل است. بر این اساس، حماس از سوی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شد. با توجه به گنجاندن حماس در لیست‌های تروریستی

¹ the Research Information, and Communications Unit (RICU)

اتحادیه اروپا و آمریکا، نوعی شرط‌بندی ضروری بود. بدیهی است که برای برقراری تماس‌های دیپلماتیک عادی، حماس باید از لیست‌های تروریستی حذف شود و برای انجام این کار باید انکار خود را از تروریسم نشان دهد (Tocci, 2007: 2). اندکی پس از پیروزی قاطع حماس در انتخابات پارلمانی و شهرداری‌های سال ۲۰۰۶، جنگ داخلی در نوار غزه بین اعضای دو جناح حماس و فتح آغاز شد. اتحادیه اروپا، همراه با ایالات متحده، سازمان ملل و روسیه، نه تنها از فتح علیه حماس حمایت کرد، بلکه محاصره سختی را بر دولت حماس تحمیل کرد تا آن را مجبور به پذیرش شرایط سیاسی چهارجانبه خاورمیانه که توسط رهبران حماس ناعادلانه و غیرممکن توصیف شده بود، کند. این شرایط در بیانیه چهارجانبه صادر شده در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۶ مشخص شد و در بسیاری از موارد توسط نهادهای اتحادیه اروپا تقویت شد: به رسمیت شناختن اسرائیل. پذیرش توافقات و تعهدات قبلی، از جمله نقشه راه صلح در خاورمیانه؛ و دست کشیدن از خشونت و تروریسم (Ziadeh, 2017: 13).

بنابراین، اتحادیه اروپا به دلیل احساس مسئولیت تاریخی خود مدت‌هاست متعهد به پایان دادن به مناقشه اسرائیل و فلسطین است. نزدیکی جغرافیایی آن به این درگیری بی‌ثبات کننده؛ و جاه طلبی‌های رو به رشد آن برای تبدیل شدن به یک کنشگر جهانی از جمله انگیزه‌های اصلی آن‌ها برای نقش آفرینی در مناقشه اسرائیل و فلسطین است. اتحادیه اروپا از طریق سیاست همسایگی اروپا روابط دوجانبه گسترده‌ای با اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی دارد. اتحادیه اروپا همچنین کمک کننده اصلی به فلسطینی‌ها است و از طریق تلاش‌های خود در ملت‌سازی فلسطین و آموزش نیروهای امنیتی فلسطین در صحنه مشارکت داشته است. و عامل مهم شکست روند صلح را حماس و اقدامات این گروه تروریستی میدانند. تاکنون اسرائیل، آمریکا، اروپایی‌ها و بسیاری از کشورهای دیگر سعی کرده اند حماس را منزوی کنند، به امید فروپاشی آن. اما علی‌رغم تحریم‌های شدید علیه این گروه، حماس همچنان کنترل غزه را در دست دارد و با حملات خود به اسرائیل، تلاش‌های صلح را تضعیف می‌کند. تاکتیک‌های خشونت‌آمیز حماس و لفاظی‌های بی‌اعتنا این سازمان از منظر اتحادیه اروپا غیرقابل قبول است (O'Donnell, 2008: 2-3).

۴-۴. شاخه‌ی نظامی حزب‌الله

حزب‌الله ابتدا به عنوان یک جنبش مقاومت به شدت ایدئولوژیک - مذهبی و بین‌المللی ظهور کرد. این حزب در چارچوب تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد. جمعیت شیعیان حزب‌الله در بیان هویت مقاومت خود دیدگاهی ایدئولوژیک، انترناسیونالیستی و انقلابی را برگزید و از انقلاب ایران الهام

گرفت که طی سال‌ها از طریق مالی و آموزش ایرانیان تثبیت شد. هویت مقاومت حزب‌الله پس از توافقنامه طائف در سال ۱۹۸۹، زمانی که شبه نظامیان جداگانه‌ای را در جنوب حفظ کرد، تداوم یافت، که در نهایت به عقب نشینی اسرائیل از لبنان در سال ۲۰۰۰ کمک کرد. با این حال، فراتر از مقاومت، حزب‌الله به تدریج به یک نیروی سیاسی لبنانی نیز تبدیل شد (Tocci, 2007: 1).

بحران سوریه و جنگ در این کشور ماهیت حزب‌الله را به طرز چشمگیری تغییر داده است. این گروه که زمانی محدود به رقابت برای قدرت سیاسی در لبنان و مبارزه با اسرائیل بود، اکنون یک کنشگر منطقه‌ای است که در درگیری‌هایی بسیار فراتر از منطقه عملیاتی تاریخی خود، اغلب با همکاری ایران، درگیر است. با تأکید بر این تغییر استراتژیک، حزب‌الله پرسنل کلیدی را که قبلاً در نزدیکی مرز اسرائیل و لبنان مستقر بودند، به یک فرماندهی تازه تأسیس سوریه و به پاسگاه‌های خارج از کشور، در عراق و یمن، منتقل کرده است. حزب‌الله با وجود تعمیق فعالیت‌های خود در سوریه، به کمک به شبه نظامیان شیعه در عراق ادامه می‌دهد و تعدادی از مرییان ماهر را برای مبارزه با دولت اسلامی موسوم به داعش و دفاع از مقدسات شیعیان در آنجا اعزام می‌کند. به گفته وزارت خزانه داری ایالات متحده، حزب‌الله همچنین در سازمان‌های جبهه تجاری برای حمایت از عملیات خود در عراق سرمایه‌گذاری کرده است (Levitt, 2015: 2-3). به این ترتیب، حماس و حزب‌الله به طور پراکنده به عنوان نمونه‌هایی از احزاب اسلام‌گرا در خاورمیانه نام برده می‌شوند که اتحادیه اروپا در تعامل با آن‌ها محتاط است و آن‌ها را با تروریسم و بی‌ثباتی مرتبط می‌کند. با این وجود، در حالی که حماس و حزب‌الله ممکن است شبیه‌ترین احزاب اسلام‌گرا به نظر برسند، رفتار اتحادیه اروپا و تعامل با این دو کنشگر متفاوت است. بر خلاف حماس، اتحادیه اروپا حزب‌الله را دارای «شاخه سیاسی»^۱ قانونی می‌داند، در حالی که «شاخه نظامی»^۲ آن بعداً در سال ۲۰۱۳ در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا قرار گرفت (Lecocq, 2020: 367).

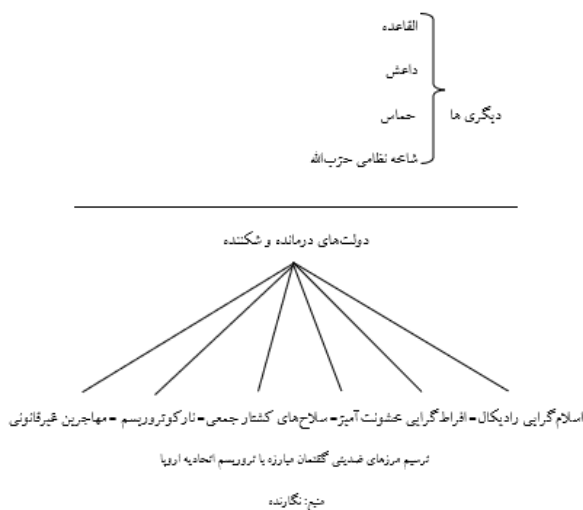
بر این اساس، طبق گزارشات یوروپل یکی از جریان‌های مهم و نگران کننده برای اتحادیه اروپا، افزایش فعالیت حزب‌الله است. هنگام تجزیه و تحلیل فعالیت فعلی حزب‌الله، دو جنبه اصلی برجسته می‌شود. باید تأکید کرد که موضوع تحلیل در اینجا یک گروه شیعه افراطی لبنانی‌الاصول است که فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی (مثلاً اداره مدارس، درمانگاه‌ها و مراکز فرهنگی)، مذهبی، رسانه‌ای (در اختیار داشتن

¹ political wing

² military wing

رسانه‌های متعدد و گوناگون) و همچنین ماهیت نظامی و تروریستی را به طور مؤثر ترکیب می‌کند. جنبه دوم مربوط به گسترش تدریجی ارضی فعالیت حزب‌الله، نه تنها به خاورمیانه، آسیا و آفریقا، بلکه به آمریکای شمالی و جنوبی، استرالیا و اتحادیه اروپا است. حزب‌الله نه تنها به طور فزاینده‌ای به حوزه اتحادیه اروپا علاقه مند است، بلکه امکانات قابل توجهی و پیوسته در حال گسترش را برای فعالیت در اروپا اعمال می‌کند. عملیات حزب‌الله به طور قابل توجهی از طریق مواردی همچون حضور یک جامعه بزرگ مسلمان، هجوم گسترده مهاجران، امکان کسب سودهای کلان از قاچاق مواد مخدر و پولشویی، و همچنین توسعه فناوری‌های ارتباطی و انتقال فعالیت‌ها به فضای مجازی تسهیل می‌شود (Wojciechowski, 2020: 12-13).

بنابراین، اگر چه در مقایسه با ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا رویکرد کمتر تهاجمی نسبت به حزب‌الله در پیش گرفته است. اما در سال ۲۰۱۳ به دلیل دست داشتن در بمب‌گذاری در بلغارستان و حمایت از رژیم اسد، بازوی نظامی حزب‌الله را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد، با این وجود برخی از کشورهای اتحادیه اروپا نگران بودند که این اقدام روابط با لبنان را تضعیف کند و به ثبات در منطقه آسیب برساند. در سال ۲۰۱۴، آژانس پلیس اتحادیه اروپا، یوروپل، و ایالات متحده یک گروه مشترک برای مقابله با فعالیت‌های تروریستی حزب‌الله در اروپا ایجاد کردند. در سال‌های اخیر، چندین کشور اروپایی موضع قوی‌تری اتخاذ کرده‌اند. پارلمان انگلیس در سال ۲۰۱۹ همه حزب‌الله را یک گروه تروریستی و پس از آن دولت آلمان در سال ۲۰۲۰ اعلام کرد. در مقابل، حزب‌الله کشورهای عرب عمده‌تأ سنی خلیج فارس را به خاطر اتحاد آن‌ها با ایالات متحده و قدرت‌های اروپایی تحقیر کرده است. شورای همکاری خلیج فارس - متشکل از هفت کشور عرب خلیج فارس به استثنای عراق - حزب‌الله را یک سازمان تروریستی می‌داند (Robinson, 2020: 13).



نتیجه گیری

اتحادیه اروپا در مواجهه با تهدیدات تروریستی، به ویژه پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست های ضدتروریستی خود را به طور قابل توجهی تقویت کرده است. این تحول نه تنها در سطح ملی کشورهای عضو، بلکه در چارچوب همکاری های منطقه ای و بین المللی نیز قابل مشاهده است. اقدامات صورت گرفته در حوزه های حقوقی، امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک، بیانگر آن است که اتحادیه اروپا تروریسم را نه فقط به عنوان یک چالش امنیتی، بلکه به مثابه تهدیدی ساختاری برای ثبات سیاسی و اجتماعی خود تلقی می کند. از این رو، استراتژی های اتحادیه اروپا در این زمینه بر پیشگیری، مقابله، محافظت و واکنش سریع در برابر حملات تروریستی استوار شده است.

در این راستا، در مقاله پیش رو سعی شده است بر مبنای چند گزاره ای اصلی نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، میدان گفتمانی اتحادیه اروپا در زمینه مبارزه با تروریسم مشخص گردد. این گزاره ها همانطور که در چارچوب نظری توضیح داده شد متشکل از عوامل تشکیل دهنده ی گفتمان ها از قبیل دال مرکزی و دال های شناور می باشد. بنابراین، در خصوص نوع نگاه اتحادیه اروپا به پدیده تروریسم ابتدا تلاش شد دال مرکزی گفتمان ضدتروریستی اتحادیه اروپا مشخص گردد. دال مرکزی نقطه ی ثقل و هسته مرکزی هر میدان گفتمانی می باشد که دال های دیگر به عنوان دال شناور در اطراف آن جای می گیرند و مجموعاً یک حوزه ی گفتمانی را مفصل بندی می کنند. بر این اساس، دال های گفتمانی هر اتحادیه اروپا که از طریق تحلیل محتوای اسناد امنیتی و سخنرانی های مقامات در مجامع مهم داخلی و بین المللی در خصوص تروریسم

و مبارزه با آن تعیین شده و با تکیه بر این دال‌ها، میدان گفتمان مبارزه با تروریسم هر اتحادیه اروپا مفصل‌بندی شده است. از این رو، در این مقاله اشاره شد که دال مرکزی گفتمان ضدتروریستی اتحادیه اروپا «دولت‌های درمانده و شکننده» می‌باشد. دال‌های شناور حوزه گفتمان‌نگی اتحادیه اروپا نیز عبارتند از: اسلام‌گرایی رادیکال، بنیادگرایی دینی، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، سلاح‌های کشتار جمعی، مهاجرین غیرقانونی و نارکوتروریسم. همچنین، به دلیل ماهیت ارزشی و تفسیری تروریسم رویکرد کنشگران نظام بین‌الملل به این پدیده و نحوه مواجهه و مبارزه با آن برگرفته از رویه‌های گفتمانی و هنجارهای پذیرفته شده‌ی آنان است. لذا بر مبنای گفتمان ضد تروریسم اتحادیه اروپا دیگری‌های غیریت‌ساز که در ضدیت با ماهیت و گفتمان ضدتروریستی اتحادیه اروپا هستند مشخص گردید.

در مجموع، اتحادیه اروپا برای مقابله مؤثرتر با تروریسم، نیازمند اتخاذ یک رویکرد جامع و چندلایه است که علاوه بر اقدامات امنیتی، شامل رویکردهای اقتصادی، اجتماعی و دیپلماتیک نیز باشد. تقویت همکاری‌های اطلاعاتی میان کشورهای عضو، افزایش تعاملات با کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی، و ایجاد سیاست‌های مشترک در زمینه مهاجرت و ادغام اجتماعی، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به بهبود روند مقابله با تروریسم کمک کنند. در نهایت، موفقیت سیاست‌های ضدتروریستی اتحادیه اروپا در گرو حفظ توازن میان امنیت و دموکراسی است؛ چراکه هرگونه افراط در سیاست‌های سخت‌گیرانه می‌تواند به محدودیت‌های حقوق بشری منجر شود و در بلندمدت، زمینه‌ساز رشد بیشتر افراط‌گرایی و بی‌ثباتی در جوامع اروپایی شود.

- Archick, Kristin. (2016). The European Union: Current challenges and future prospects. Available at: <http://projects.mcrit.com/foresightlibrary/attachments/article/1231/R44249.pdf>
- Baker-Beall, Christopher (2014). The evolution of the European Union's 'fight against terrorism' discourse: Constructing the terrorist 'other'. **Cooperation and Conflict**, 49(2), 212-238.
- Cierco, Teresa, and Silva, Jorge Tavares da (2016). The European Union and the Member States: two different perceptions of border. **Revista Brasileira de Política Internacional**, 59.
- Çiğdem, N. A. S. (2019). The EU's Approach to the Syrian Crisis: Turkey as a Partner? **Uluslararası İlişkiler Dergisi**, 16(62), 45-64.
- Conti, Nicolò, Di Mauro, Danilo and Memoli, Vincenzo (2019). Citizens, immigration and the EU as a shield. **European Union Politics**, 20(3), 492-510.
- Dabirimehr, Amir and Tabatabai Fatmi, Malihe (2014). Laclau and Mouffe's Theory of Discourse. **Journal of Novel Applied Sciences**, 3(11), 1283-1287.
- Doty, Roxanne Lynn (1993). Foreign Policy as Social Construction: A Post-Positivist Analysis of U.S. Counterinsurgency Policy in the Philippines, **International Studies Quarterly**, vol 37(3), 297-320.
- Egger, Clara, and Magni-Berton, Raül (2021). The role of Islamist ideology in shaping Muslims believers' attitudes toward terrorism: Evidence from Europe. **Studies in conflict and terrorism**, 44(7), 581-604.
- Hout, Wil (2010). Between Development and Security: the European Union, governance and fragile states. **Third World Quarterly**, 31(1), 141-157.

- Isleyen, Beste. (2017). The External Dimension of European Union Counter-Terrorism Discourse: Good Governance, the Arab “Spring” and the “Foreign Fighters”. *Uluslararası İlişkiler Dergisi*, 14(55), 59-74.
- IT systems to fight crime and secure EU borders. Available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/policies/it-systems-security-justice/>
- Joint statement by the EU home affairs ministers (2020). Available at: <https://translate.google.com/?hl=fa&sl=en&tl=fa&text=Joint%20statement%20by%20the%20EU%20home%20affairs%20ministers%20on%20the%20recent%20terrorist%20attacks%20in%20Europe&op=translate>
- Kizilkan, Zelal Başak. (2019). Changing Policies of Turkey and the EU to the Syrian Conflict. *Atatürk Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Dergisi*, 33(1), 321-338.
- Kostić, Marina. (2021). European Union and the weapons of Mass Destruction: Policy, Threat, Response. *Romanian Review of Political Sciences and International Relations*, 18, 135-155.
- Laclau, Ernesto and Chantal Mouffe (1985), **Hegemony and Socialist Strategy, Towards a Radical Politics**. London: Verso.
- Lecocq, Sharon (2020). EU foreign policy and hybrid actors in the Middle East: ready for geopolitical contestation?. *Global Affairs*, 6(4-5), 363-380.
- Levitt, Matthew (2015). Major Beneficiaries of the Iran Deal: IRGC and Hezbollah. testimony submitted to the House Foreign Affairs Subcommittee on the Middle East and North Africa, (114-92).
- Lugna, Lauri. (2006). Institutional framework of the European Union counter-terrorism policy setting. *Baltic Security & Defence Review*, 8(1), 101-128.
- Lugna, Lauri. (2006). Institutional framework of the European Union counter-terrorism policy setting. *Baltic Security & Defence Review*, 8(1), 101-128.
- Martins, Bruno Oliveira, and Ziegler, Monika (2018). Counter-radicalization as counter-terrorism: the European Union case. Expressions of radicalization: Global politics, **processes and practices**, 321-352.

- Melhuish, Francesca, and Heath-Kelly, Charlotte (2022). Fighting terrorism at the local level: the European Union, radicalisation prevention and the negotiation of subsidiarity. **European Security**, 31(2), 313-333.
- Metcalfe-Hough, Victoria. (2015). The migration crisis? Facts, challenges and possible solutions. Available at: <https://www.odi.org/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publicationsopinion-files/9913.Pdf>
- Moshirzade, Homeira (2007). Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy. **Security Dialogue**, 38(4), 521-543.
- Nail, Thomas (2016). A tale of two crises: Migration and terrorism after the Paris attacks. **Studies in ethnicity and nationalism**, 16(1), 158-167.
- O'Donnell, Clara Marina (2008). The EU, Israel and Hamas. Centre for European Reform Working Paper.
- Rear, David (2013). Laclau and Mouffe's discourse theory and Fairclough's critical discourse analysis: An introduction and comparison. **Unpublished paper**, 1, 26.
- Robinson, Kali. (2020). What is Hezbollah?. Council on foreign relations, 1, 1-15.
- Roy, Olivier. (2008). Al Qaeda in the West as a youth movement: The power of a narrative. **CEPS Policy Briefs**, (1-12), 1-8.
- Speckhard, Anne and Ellenberg, Molly (2020). Breaking the ISIS brand counter narrative Facebook campaigns in Europe. **Journal of Strategic Security**, 13(3), 120-148.
- Statement by the members of the European Council (2015). Informal meeting of the Heads of State or Government Brussels, Available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2015/02/12/european-council-statement-fight-against-terrorism/>
- The European Union Counter-Terrorism Strategy. (2005). Council of the European Union, Available at: <https://data.consilium.europa.eu/doc/document/ST%2014469%202005%20REV%204/EN/pdf>

- Tocci, Natalie (2007). What went wrong? The impact of Western policies towards Hamas & Hizbollah. **CEPS Policy Briefs**, (1-12), 1-10.
- Van Poecke, Thomas and Wouters, Jan (2022). The Nexus between Organized Crime and Terrorism: Policy Responses from the European Union and the Council of Europe. **The Nexus Between Organized Crime and Terrorism: Types and Responses**, 452, 1-34.
- Wojciechowski, Sebastian. (2020). “The Terrorist Bomb is Still Ticking”– Even in the Shadow of COVID-19. **Przegląd Strategiczny**, 10(13), 9-18.
- Ziadeh, Adeeb (2017). EU foreign policy and hamas: Inconsistencies and paradoxes. **Routledge**.